

رهب معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار محمد مخبر سرپرست ریاست‌جمهوری و اعضای هیات دولت سیزدهم، تلاش بی‌وقفه برای حل مشکلات توده‌های مردم (نه خواص و ویژه‌خواران)، اعتقاد عمیق به توانایی‌های داخلی، صراحت در اعلام مواضع دینی و انقلابی، خستگی‌ناپذیری، مأیوس نشدن، رعایت‌تعامل و عزت‌مندی در سیاست خارجی، اهتمام به اجزای طرح‌های بزرگ، تواضع و بردباری و معنویت و ذکر و توسل را از ویژگی‌های برجسته فردی و کاری شهید رئیسی خواندند و تأکید کردند: «رئیس عزیزی به‌عنوان یک الگو‌نشان داد می‌توان به عنوان رئیس‌جمهور یک کشور از مجموعه این خصوصیات فکری، قلبی و عملی برخوردار بود و آن را در عمل دنبال کرد.» مشروح بیانات ایشان را در ادامه می‌خوانید.



خیلی خوش آمدید بردارن عزیز، خواهر گرامی. این جلسه، طبق معمول همه دولت‌های دیگر، جلسه تشکر بنده از مسئولین و دوستان و اعضای دولت است. البته جای آقای رئیسی عزیزمان خالی است؛ ولی خب طبق اعتقادات ما، ارواح طیبه مومنین، به خصوص شهدا، ناظرند، حاضرند، می‌بینند، می‌شنوند؛ درواقع، ایشان هم از قدردانی ما از ایشان مطلع می‌شوند. جلسه برای تشکر است و امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال از شماها این زحمات تان را قبول کند. و آنچه انجام دادید یک طرف، آنچه نیت انجامش را هم داشتید یک طرف؛ آن هم همین جوراهمیت دارد؛ یعنی تصمیم شما این بود که در ادامه دولت، کارهایی را، برنامه‌هایی را اجرا کنید؛ آنها هم پیش خدای متعال اجر دارد. ان‌شاءالله خدایوند شماها را موفق بدارد و کمک‌تان کند که بتوانید استمرار بدهید این خدمات را. البته طبعاتشکیلات دولت تغییراتی خواهد داشت، شکی نیست؛ لکن خدمتگزاری افراد نباید فقط در چهارچوب این عناوین مشخص مدیریت‌های خاص باشد؛ باید در همه شرایط، در همه موارد، آماده باشند برای کار و خدمتگزاری. و خدمت‌کنید به کشور، کار کنید برای کشور و می‌توانید الحمدلله.

دولت مرحوم آقای رئیسی (رضوان‌الله علیه) دولت کار بود، دولت امید بود، دولت حرکت در بخش‌های داخلی و خارجی بود. اگرچه این عناوین را شاید خود ایشان با اعضای دولت به کار نمی‌برند، اما عملاً این جور دیده می‌شد و فهمیده می‌شد؛ ایشان واقعا امیدوار بود، واقعا خوش‌بین بود به آینده. البته حق هم با ایشان بود. و تصمیم داشت که به آن هدف‌ها خودش را برساند با همکاری شماها. من یک مطلب درباره خصوصیات مرحوم آقای رئیسی (رضوان‌الله علیه) که در ذهنم برجسته است عرض می‌کنم. البته آقای مخبر انصافاً خیلی خوب بیان کردند؛ بسیاری جوانب مهم را ایشان ذکر کردند، بنده هم چند مورد را عرض می‌کنم.

به نظر من یکی از مهم‌ترین خصوصیات آقای رئیسی مردمی بودن بود. برای همه ماها، برای دولت‌ها و روسای دولت‌ها، برای اعضای دولت‌ها، این باید الگو باشد. ایشان به مردم اعتنا می‌کرد، برای مردم احترام قائل بود، در بین مردم حضور پیدا می‌کرد، لمس می‌کرد حقایق را با حضور در میان مردم، حرف‌های آنها را می‌شنید و نیازهای آنها را محور برنامه‌ریزی‌های خودش قرار می‌داد؛ ایشان این‌جوری بود. محور برنامه‌ریزی‌ها و اقدام‌ها و کارها و شاخص‌هایی که موردنظر ایشان بود، حل مشکلات مردم بود. حالاممکن بود بعضی به نتیجه برسند، بعضی نرسد، اما محور کارهای ایشان اینها بود؛ آنچه ما همیشه در مذاکرات جلسات مان با آن مواجه بودیم.

این درست همان چیزی است که موردنظر اسلام است، یعنی با مردم بودن. در این نامه معروف و فرمان معروف امیرالمومنین (علیه‌السلام) به مالک اشتر، ایشان می‌فرمایند بهترین و محبوب‌ترین کارها در نزد تو باید این چند چیز باشد؛ دو سه چیز را ذکر می‌کنند، ازجمله: اَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ؛ محبوب‌ترین کارها در نظر تو باید آن کاری باشد که مایه خشنودی توده‌های مردم است؛ دنبال این باش. مراد از «رعیت» -که گاهی در کلمات امیرالمومنین تعبیر می‌شود به «رعیت»، گاهی تعبیری می‌شود به «عامه»- توده مردم است در مقابل نورچشمی‌ها، که حضرت از آن مجموعه نورچشمی‌ها و آن ویژه‌خواها تعبیر می‌کنند به «خاصه». می‌گویند بهترین کارها و محبوب‌ترین کارها آن است که موردنظر توده مردم باشد، آنها را خشنود کند، آنها را راضی کند، هماهنگ با رضایت آنها باشد.

بعد، در دو سه فقره بعد می‌فرمایند: وَ اِنَّمَا عَمَادُ الدِّيْنِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْعُمَّةُ لِاِعْدَاءِ الْعُمَّةِ مِنَ الْاُمَّةِ؛ آن که به درد تو می‌خورد در مقابل دشمن، آن که می‌تواند وحدت ایجاد کند، یکپارچگی به وجود بیاورد در کشور، همین توده مردمند؛ اینها هستند که اگر باهم باشند، کشور یکپارچه می‌شود؛ والا نورچشمی‌ها هرکدام انگیزه‌های خودشان را دارند، برای خودشان کار می‌کنند. طبعاً اهوا، وقتی که متخالف بود، با همدیگر برخورد می‌کنند. در این شکی نیست. یعنی «اجتماع اصلا دیگر معنا پیدا نمی‌کند. اما مردم چرا آحاد مردم، توده مردم، می‌توانند اجتماع کنند و عُدّه للاعداء [باشند]؛ برای مواجهه با دشمن، در هر میدانی، مردم به کار می‌آیند.

حالا حضرت در دنباله‌اش حرف‌های خیلی جالبی دارند که من در جلسات نهج‌البلاغه که برای دوستان دولتی درطول سال‌ها گاهی داشتم،

رهب انقلاب در آخرین دیدار با اعضای دولت سیزدهم مطرح کردند

الگوی رئیسی



یک‌تکه‌هایی از اینها را شرح کرده‌ام. حضرت می‌گویند این نورچشمی‌ها از همه توقع‌شان بیشتر است، از همه صبرشان کمتر است، از همه کمک‌شان ضعیف‌تر و ناقابل‌تر است؛ وقت‌توقع از همه بیشتر توقع دارند، وقتی که بنساست یک کار ازان به‌دند از همه کمتر وارد میدان می‌شوند، وقتی جنگی پیش بیاید حضورشان محسوس نیست؛ برخلاف توده مردم که خب نمونه‌هایش را دیگر همه شماها دیده‌اید در میدان دفاع مقدس، در دفاع حرم و دیگر امور. ببینید، این یک خطر روشنی است که امیرالمومنین (علیه‌السلام) ترسیم کرده‌اند. آقای رئیسی این خطر را حرکت می‌کرد، دنبال این بود؛ این خیلی باارزش است، این خیلی خوب است، این واقعا الگو است، باید همه ماها یاد بگیریم این کار را. این بر تکیه از نقطه‌از نقاط ویژه ایشان بود. نقطه دوم این بود که ایشان به ایشان‌های داخلی واقعا اعتقاد داشت. خب ما با خیلی از مسئولین در نشست‌وبیرواست‌ها روی این مساله توانایی‌های داخلی و ظرفیت‌های داخلی در موارد متعدد صحبت می‌کنیم، هیچ‌کس از آنها هم مخالفت نمی‌کند، اما آدم می‌فهمد چه کسی عمیقاً و از بن‌دندان به این توانایی‌ها باور دارد، چه کسی نه. ایشان واقعا باور داشت؛ یعنی قبول داشت که ما خیلی از مشکلات کشور را با اکثر مشکلات کشور را یا به یک صورت همه مشکلات کشور را می‌توانیم با تکیه به ظرفیت‌های داخلی حل کنیم؛ و لَذا دنبال این کارها هم بود. این از خطوط مهم و اصلی‌ای [بود] که ایشان دنبال می‌کرد.

این نقطه برجسته دیگری که در ایشان وجود داشت صراحت در اعلام مواضع انقلابی و دینی بود. دویپهلو حرف زدن و ملاحظه این را کردن که اگر ما مواضع انقلابی مان را صریح بیان کنیم، فلان آدم، فلان دسته، فلان شخصیت ممکن است ناراحت بشوند، این ملاحظات را ایشان نداشت؛ یعنی مواضع انقلابی خودش را، همان که به آن معتقد و پاینده بود، ایشان صریح بیان می‌کرد. در اولین مصاحبه‌ای که ایشان کرد، از او راجع به ارتباط با فلان کشور پرسیدند که شما ارتباط برقرار می‌کنید، ایشان گفت خیر؛ صریح؛ یعنی بی‌هیچ ملاحظه و حاشیه و لابه‌لا [چیزی گفتن]؛ نخیر، ایشان صریح بود. در همه موارد، آن‌جور که ما دیده بودیم، ایشان همین جور بود.

خصوصیت دیگر ایشان که خب این را همه می‌دانند، همه می‌فهمند و دیده‌اند، خستگی‌ناپذیری از کار بود. من مکرر ایشان را توصیه می‌کردم به اینکه یک قدری استراحت کند. مثال می‌زم از یک مواردی که [اشخاص] استراحت نکردند، بعد دچار مشکل شدند. می‌گفتم شما برای آینده کاری خودت هم که شده یک قدری استراحت کن، والا یک وقت می‌افتی و دیگر نمی‌توانی کار کنی! مکرر [می‌گفتم]. ایشان همیشه می‌گفت من از کار خسته نمی‌شوم، و واقعا هم کانه خسته نمی‌شد؛ آدم تعجب می‌کرد. نصفه‌شب از سفر خارجی برگشته، صبح در فلان نقطه مثلاکنج با فلان جا با مردم دیدار عمومی دارد یا جلسه می‌گذارد برای مسائل مختلف؛ اینها کارهای خیلی مهمی است. یک نقطه برجسته دیگر از ایشان، مایوس نشدن از زخم‌زبان‌ها بود. این نقطه ضعف خیلی از ماها است که نایک‌کسی‌زیان‌به انتقاد از ما می‌چرخد، فوراً یاد دل‌مان می‌شکند یا اوقات مان تلخ می‌شود یا بدمان می‌آید که چرا مثلاً از ماناسپاسی شد، و از کار می‌مانیم. خیلی اوقات این جور است، همیشه دوست

داریم از ما تعریف کنند. ایشان نه؛ زخم‌زبان هم زیاد به ایشان می‌زدند، [اما] مایوس نمی‌شد. البته نمی‌شودگفت که رنج نمی‌کشید؛ چرا، رنج هم می‌کشید. گاهی پیش بنده شکایت هم می‌کرد؛ لکن مایوس نمی‌شد و سرد نمی‌شد از کار کردن و دنبال‌گیری کردن. این هم یکی از خصوصیات برجسته ایشان بود.

خدا ان‌شاءالله درجات ایشان را زیاد کند. من این موارد را گفتم برای اینکه اینها ثبت بشود به عنوان یک الگو؛ معلوم بشود کسی که رئیس قوه مجریه یک کشور است، می‌تواند مجموعه این خصوصیات عملی و فکری و قلبی و مانند اینها را با همدیگر داشته باشد و دنبال کند - می‌شود، می‌تواند- که ایشان بحمدالله داشت.

از آقایان وزراهم تشکر می‌کنیم؛ همکاری کردید، تلاش کردید در طول این چند سال و کمک کردید به رئیس‌جمهور. اگر چنانچه همکاری دوستانش نبود، ایشان قطعاً نمی‌توانست این امکانات [و فراهم بکند]. خفا و انصافاً خیلی نمی‌تواند اینس کارها را انجام بدهند. این احتیاج به مجموعه‌ای دارد که آن مجموعه شماها هستید و بحمدالله کمک کردید. بخصوص از شخص آقای مخبر من بایستی تشکر ویژه بکنم؛ هم به خاطر همکاری‌شان با آقای رئیسی در طول این سه سال -که البته یک روضه مفصل هم باید برای آقای مخبر بخوانیم [بابت] سختی‌هایی که ایشان کشید و مشکلاتی که ایشان تحمل کرد؛ واقعا ایشان خیلی مشکل تحمل کردند، اما خوب همکاری کردند با مرحوم آقای رئیسی و با دولت- و هم برای این چهل پنجاه روز اخیر که ایشان در موضع «سرپرست ریاست‌جمهوری» خفا و انصافاً خیلی خوب کار کردند، خوب تلاش کردند، کارها را دنبال گرفتند، دنبال کردند. اینکه گفته شده بود «تا روز آخر، همه کارها انجام بگیرد» را ایشان به معنای واقعی کلمه جدی گرفتند. شما دوستان هم همین‌طور؛ شما هم بحمدالله همه مشغول هستید، باز هم بایست تا همان لحظهٔ آخر ادامه بدهید کارها را. این خصوصیات برای دولت‌ها، برای رؤسا، برای وزرا، همه الگو است؛ ان‌شاءالله که از این الگو همه استفاده کنند، همه ما استفاده کنیم، بنده هم استفاده کنم.

من در پایان، یک بار دیگر از مردم به خاطر انتخابات تشکر می‌کنم. از مسئولین دولتی و وزارت کشور و صداوسیما و نیروهای انتظامی و مراقبت امنیتی به خاطر برگزاری خوب این انتخابات، بنده صمیمانه متشکرم. همه کار کردند، همه تلاش کردند و بحمدالله محصول تلاش این‌شد که یک انتخابات سراسری بی‌حادثه رخ داد؛ این خیلی مهم است. در اغلب جاهای دنیا - حالانمی‌گویم همه جا؛ ما از همه جا خبر نداریم- با اختلافات سیاسی و نظری‌ای که وجود دارد، انتخابات غالباً با دعوا و با یقه‌گیری و با زدن و احیاناً کشتن و امثال اینها همراه است. اینجا بحمدالله با امنیت این کار انجام گرفت. این هتر شماها بود که توانستید این انتخابات را به بهترین وجهی به انجام برسانید. رسم ما این است که من دیدار آخر، به هر کدام از آقایان یک جلد کلام‌الله مجید هدیه می‌کنیم. این را هم من هدیه می‌کنم به جناب آقای مخبر. خدا ان‌شاءالله حفظ‌تان کند، خدا ان‌شاءالله همه شما را موفق بدارد و مؤید بدارد و کمک‌تان کند.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

میان‌طبقه متوسط شهری خواهد‌داشت اجرایی‌که طی چندساعت پایانی شامگاه ۱۵ تیر، پای صندوق آمدند و کار اتمام کردند. گزاره‌هایی که درباره «سازمان رای» حتی درروز انتخابات از سوی برخی اعضای ستاد بازنده انتخابات درشبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود از دوراز دوراز واقعیت و لطفیه‌هاست که انسان را به حیرت وامی‌دارد و شاید بهترین‌تعبیر درباره‌ان «عدد نفهمی» باشد. همان تعبیری که مرحوم ترکان به وزیرکار اسبق گفت. (فارغ از نظر نگارنده درباره شخص آقای ترکان)، مثلاً به اعضای ستادشان امید می‌دادند [رای روستاها به‌سمت جلیلی بازگشته است]؛ که البته چنین نند. اما بر فرض اینکه این گزاره قرین به صحت بوده باشد، این افراد آیا نمی‌دانستند که جمعیت روستایی کسری از جمعیت طبقه متوسط برخی شهرهای بزرگ که پای صندوق آمدند هم نمی‌شود؟ مسائلی از این دست، مخاطبات عادی را هم متعجب می‌سازد، چه رسد به آنها که دستی برآتش انتخابات و مساله «رای» دارند!

این دور شدن از واقعیت، البته معلول پدیده‌های تازه‌ای است که عرصه سیاست ایران را به شدت مبتذل کرده است. اگر اینستاگرام، در ماجرای بلوای ۱۴۰۱، توانسته بود واقعیت و منطق را در بخشی از مخاطبانی که با اخبار فیک مواجه می‌شدند و ن‌رامی پذیرفتند، تعطیل کند، گزاره‌های طرح‌شده دریک شبکهٔ اجتماعی خاص یا برخی مذهبپوین و طرفداران یک کاندیدای چنین کرد. مطلقاً حمایت‌های بی‌درپی

سازمان آرای مردم طرح کنند که البته این مسائل وجود دارند. اتفاقاً به خاطر وجود این مسائل است که عمل سیاسی مهم می‌شود و اتفاقاً به خاطر همین است که باید سخت بودن عمل سیاسی و عدم ساده‌سازی و ساده‌انگاری را برجسته کرد.

به عبارت دیگر عمل سیاسی، بازی درکانه نیست که تصور شود با چند توییت و تهییج و استادیومی کردن فضوا مطلق انگاری در«تکلیف بشود»توجهش کرد. جریان بازنده که از قضا در سال‌های اخیر یادلخوش کردن به جمع‌تاخت‌یابانی و ورزشگاه‌ی، تصویری مخدوش از واقعیت جامعه ایران، را باور کرده و می‌پارواند، در انتخاباتی با ۵۰ درصد مشارکت، به کاندیدایی از جبهه رقیب باخت که به‌نظم می‌رسید در قیاس با برخی چهره‌های دیگر همان جریان، امکان ظهور و بروز سیاسی کمتری داشت! همان‌طور که عرض شد، عمده دلیل این شکست سیاسی «ساده‌انگاری»‌هایی است که مصداق فراوان دارد. یکی از جدی‌ترین آنها، نداشتن تحلیل از جامعه روستایی و طبقه محروم است. طبقه‌ای که جریان بازنده، اتفاقاً آنها را منشأ اصلی آرای خود تلقی می‌کرد. اما دیوار واقعیت چنان محکم بود که توان تحلیل پس از شکست را به بسیاری از موثرهای فضای انتخاباتی گرفت. این گزاره به این دلیل مورد اشاره قرار می‌گیرد که نقص مهم «شناخت» برجسته‌شود. جریان‌ی که از جامعه روستایی، طبقهٔ درون‌دستان، وغدغه‌های آنان و حتی نگاه جنوب‌شهری- که مدعی داشتن سبب رای از میان آنان است - دور بود، به تبع معلوم است چه جایگاهی در

علما از کاندیدایی دیگر طرح می‌شد، در شبکه اجتماعی محدود واردان دیگر کاندیدا، تکذیب می‌شد و همه باور می‌کردند. در روزهای نزدیک به انتخابات این ماجرا به اوج خود رسید. مسائلی مانند اعضای میثاق نامه اصلاحات مبتنی بر تشدید همجنس‌بازی توسط پزشک‌یکان، یکی از مواردی بود که علی‌رغم فیک بودن، انتشار گسترده پیدا کرد و متأسفانه در بخشی باور شد. که البته به‌طور قطع این گزاره مورد تأیید کاندیدای مرجع این گروه نبوده است و خطاب این نقد منتشرکنندگان هوادارند تا ستاد کاندیدا. آیا این امر بی‌اخلاقی نبود؟ آیا اخلاق برای این گروه مهم نبود؟ آیا می‌شود این بی‌اخلاقی و مذهبی بودن را با بهم جمع کرد؟ حال آنکه شاید همین هائز وضعی خود را بر پیروزی کاندیدای دیگر گذاشت.

آیا این انتخابات خواهد توانست تصویر تازه‌ای از «مردم» برای جریان بازنده بسازد؟ آیا جریان اقلیت در انتخابات اخیر که به اشتباه خود را پایگاه واقعی ۱۴ میلیون رای کسب‌شده می‌داند و اقتضات امکان انتخاب محدود برای رای دهندگان را به کلی از سازمان رای خویش خارج می‌کند، اقلیت بودن خود را خواهد پذیرفت؟ آیا تلاشی برای ترمیم روابط با جمعیت واقعی مردم ایران صورت خواهد داد؟ آیا می‌توان امیدوار بود نگاه به «عمل سیاسی واقعی» شود؟ نمی‌دانم. فی‌الحال آنچه به‌عنوان یک پیروزی بزرگ برای خود من واجد توجه ویژه است، صعودی شدن مشارکت و عبور مردم از «دشمن اینترنشنال هاست». سپس خدای را بر این موهبت و موفقیت مهم.